



University of Science and Quranic Knowledge  
Tehran Faculty of Quranic Sciences

Received: 2023-11-08

Accepted: 2023-12-20

 [olomquran.ir/article\\_190527.html](http://olomquran.ir/article_190527.html)

 [10.22034/CSQ.2023.190527](https://doi.org/10.22034/CSQ.2023.190527)

Type of article: researching

## A Comparative Analysis of the interpretation of the term "Rābitū"<sup>1</sup> from the perspective of Allamah Ṭabāṭabāī and the contemporary Sunni Qur'anic exegetes

Abd Rasoul Shabani<sup>2</sup>

Ahmadreza Basij<sup>3</sup>

Muhammad Hossein Ghasem Peyvandi<sup>4</sup>

### Abstract

Paying attention to the social interpretation of the verses of the Holy Qur'an and its pervasive influence in Islamic society is one of the basic approaches of some contemporary Qur'anic exegeses in the last century. The present study, using a comparative and analytical-descriptive method, has criticized and analyzed the exegetical view of Allamah Ṭabāṭabāī and some contemporary Sunni Qur'anic exegetes about the term "Rābitū" in verse 200 of Qur'an 3 [Surah Al-Imrān], which is one of the important social verses of the Qur'an.

According to Sunni contemporaries, the term "Rābitū" in the absolute sense of military preparedness; territory and intellectual management; commuting to mosques and waiting for prayer, while Allamah Ṭabāṭabāī presented a social analysis of "Rābitū" and considers this term to mean Islamic relationship and the relationship of all people in all aspects of social life. The necessity and the main question of the research is that 'Which of the two aforementioned viewpoints helps to explain

ISSN: 2476-5317  
EISSN: 2676-3044

The eighth year  
Second number  
Consecutive 16  
Autumn & Winter  
2023-2024

P 140-163

1. Qur'an 3: 200.

2. Ph.D. student in Qur'an and Hadith Sciences, Department of Law, Najaf Abad Branch, Islamic Azad University, Najaf Abad, Iran. E-mail: erfanz3300@yahoo.com

3. Assistant Professor, Department of Education, Shahrkord Branch, Farhangian University, Shahrkord, Iran (Corresponding Author). E-mail: Basij\_581@yahoo.com

4. Assistant Professor, Department of Qur'anic and Hadith Sciences, Aligudarz Branch, Islamic Azad University, Aligudarz, Iran. E-mail: Ghasempeyvandi@gmail.com





University of Science and Quranic Knowledge  
Tehran faculty of Quranic Sciences

Received: 2023-11-08

Accepted: 2023-12-20

 [olomquran.ir/article\\_190527.html](http://olomquran.ir/article_190527.html)

 10.22034/CSQ.2023.190527

Type of article: researching

the social role of this verse and especially the word "Rābitū"?' By comparing the perspectives, mentioning the interpretative narratives of waiting for the next prayer after the completion of prayer and going to mosques as points of commonality and social analysis of Allamah about Islamic morality in contrast to the mentioned manifestations of the verse by Sunni contemporaries is the point of difference of opinion of the mentioned Qur'anic exegetes.

The finding is that, according to the perspective of Allamah Ṭabāṭabāī and the examination of the co-occurrence of words, the best interpretation of the term is the same Islamic relationship, which means the relationship of the Islamic Ummah in all aspects of social life. By using traditions in a novel inference, it should be the axis of the formation of that leadership and the place of manifestation of that mosque.

**Keywords:** 'Rābitū', caring, social Interpretation, Allamah Ṭabāṭabāī, contemporary Sunni Qur'anic exegetes.

◆ How to cite: Shabani, Abd Rasoul, Basij, Ahmadrza, Ghasem Peyvandi, Muhammad Hossein(1402): "A Comparative Analysis of the interpretation of the term "Rābitū " from the perspective of Allamah Ṭabāṭabāī and the contemporary Sunni Qur'anic exegetes", Comparative Interpretation Studies, 8(16), 138-161. , DOI:10.22034/CSQ.2023.190527



تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۱۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۱۸

olomquran.ir/article\_190527.html  
10.22034/CSQ.2024.190553

نوع مقاله: پژوهشی



دانشگاه علوم و معارف متسوران کریم  
دفتر مطالعات تطبیقی

دو فصلنامه علم مطالعات تطبیقی

## واکاوی تطبیقی تفسیر واژه «رابطوا» از منظر علامه طباطبایی و مفسران معاصر اهل سنت

عبدالرسول شبانی<sup>۱</sup>

احمد رضا بسیج<sup>۲</sup>

محمد حسین قاسم پیوندی<sup>۳</sup>

### چکیده

توجه به خوانش اجتماعی آیات قرآن کریم و تأثیر فراگیر آن در جامعه اسلامی، از رویکردهای اساسی برخی تفاسیر معاصر در سده اخیر است. پژوهش حاضر به روش تطبیقی و شیوه تحلیلی-توصیفی، دیدگاه تفسیری علامه طباطبایی و مفسران معاصر اهل سنت را درباره واژه «رابطوا» در آیه ۲۰۰ سوره آل عمران از آیات مهم اجتماعی قرآن است، به بوطه نقد و بررسی گذاشته است. به نظر معاصران اهل سنت، «رابطوا» به معنای مطلق آمادگی نظامی؛ مرزداری زمینی و فکری؛ رفت و آمد به مساجد و انتظار نماز پس از نماز است؛ درحالی که علامه طباطبایی، تحلیلی اجتماعی از «رابطوا» ارائه نموده و این واژه را به معنای رابطه اسلامی و ارتباط تمامی افراد، در جمیع شئون زندگی اجتماعی می‌داند. ضرورت و سؤال اصلی تحقیق آن است که کدام یک از دو دیدگاه یادشده، به تبیین نقش اجتماعی این آیه و به خصوص واژه «رابطوا» کمک می‌کند؟ با تطبیق دیدگاه‌ها، ذکر روایات تفسیری انتظار نماز بعد از نماز

ISSN: 2476-5317  
EISSN: 2676-3044

سال هشتم

شماره دوم

پیاپی: ۱۶

پاییز و زمستان

۱۴۰۲

ص ۱۴۰ تا ۱۶۳

۱. دانشجوی دکتری رشته علوم قرآن و حدیث، گروه حقوق، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی،

نجف‌آباد، ایران erfana3300@yahoo.com

۲. استادیار گروه معارف، واحد شهرکرد، دانشگاه فرهنگیان، شهرکرد، ایران (نویسنده مسؤول)

Basij\_581@yahoo.com

۳. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، واحد الیگودرز، دانشگاه آزاد اسلامی، الیگودرز، ایران

Ghasempeyvandi@gmail.com

۱۴۲



is licensed under a Creative Commons Attribution 4.0 International License.



دانشگاه علوم و معارف متسکران کریم  
دو فصلنامه علمی مطالعات تطبیقی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۱۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۱۸

olomquran.ir/article\_190527.html  
10.22034/CSQ.2024.190553



نوع مقاله: پژوهشی

دو فصلنامه علمی مطالعات تطبیقی

و همچنین رفت و آمد به مساجد، بعنوان نقاط اشتراک و تحلیل اجتماعی علامه درباره مرابطه اسلامی در مقابل تعیین مصادیق یادشده از سوی معاصران اهل سنت، نقطه افتراق نظر مفسران مذکور است. نتیجه آنکه بر اساس دیدگاه علامه طباطبایی و بررسی هم نشینی واژگان، بهترین تفسیر، همان مرابطه اسلامی به معنای ارتباط امت اسلامی در جمیع شئون زندگی اجتماعی است که با استفاده از روایات در استنباطی بدیع، باید محور شکل گیری آن امامت و جایگاه تجلی آن مسجد باشد.

**کلمات کلیدی:** رابطوا، مرابطه، خوانش اجتماعی، علامه طباطبایی، مفسران معاصر اهل سنت.

ISSN: 2476-5317  
EISSN: 2676-3044

سال هشتم

شماره دوم

پیاپی: ۱۶

پاییز و زمستان

۱۴۰۲

ص ۱۴۰ تا ۱۶۳

◆ استناد به این مقاله: شبانی، عبدالرسول، بسیج، احمدرضا، قاسم پیوندی، محمدحسین (۱۴۰۲): «واکاوی تطبیقی تفسیر واژه «رابطوا» از منظر علامه طباطبایی و مفسران معاصر اهل سنت»، مجله مطالعات تفسیر تطبیقی، ۸ (۱۶)،

DOI:10.22034/CSQ.2023.190527 ، ۱۳۸ - ۱۶۱

۱۴۳



is licensed under a Creative Commons Attribution 4.0 International License.

## مقدمه

اقبال برخی مفسران به تفسیر اجتماعی، از رخداد‌های مهم در تفاسیر قرآن، بخصوص تفاسیر معاصر است که به خوانش اجتماعی آیات قرآن و تأثیرگذاری اجتماعی آن کمک بزرگی می‌کند (شعاعی، ۱۴۰۰: ۸۲). در بررسی آیات اجتماعی قرآن تنها به یک آیه می‌رسیم که واژه «رابطوا» در آن مطرح شده است و آن هم آیه ۲۰۰ سوره آل عمران است که می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾ ای اهل ایمان اهل صبر باشید و استقامت و پایداری و مرابطه داشته باشید و تقوای الهی پیشه کنید، باشد که رستگار شوید. بررسی واژه «رابطوا» از چند جهت دارای اهمیت است:

(۱) این واژه به چه معناست؟ (۲) موارد کاربرد آن در آیات قرآن چیست؟ (۳) این واژه در خوانش اجتماعی آیات قرآن چه جایگاه و تأثیری دارد؟ (۴) بر اساس روایات تفسیری، محور شکل‌گیری و جایگاه ظهور و تداوم آن در جامعه اسلامی چیست؟ در میان مفسران اسلامی، نظرات علامه طباطبایی در المیزان فی تفسیر القرآن و مفسران معاصر اهل سنت (در حدود پنجاه سال اخیر) که همگی معاصر همدیگر بوده و در دوران تحولات اجتماعی قرار داشته‌اند را می‌توان به صورت تطبیقی در بعد اجتماعی مورد بررسی قرارداد که بر این اساس واکاوی تطبیقی نظرات اندیشمندان مذکور، ارتباط با واژه «رابطوا» و گستره تفسیری آن بر مبنای خوانش اجتماعی آیات قرآن، مبین دیدگاه تفسیری این مفسران و همچنین لزوم بازنگری اجتماعی آیات قرآن است. با نظر به دیدگاه علامه و گرایش غالب اجتماعی المیزان و تحلیل به جا و متقن ایشان نسبت به واژه «رابطوا» و عدم ذکر چنین تحلیلی در دیدگاه مفسران معاصر اهل سنت، لزوم بررسی و ارزیابی تطبیقی دیدگاه‌ها و روشن شدن نظر مرجع بین عالمان مذکور و همچنین نظر دقیق‌تر به آیات اجتماعی قرآن، بیش از پیش احساس می‌شود.

به طور کلی مفسران معاصر اهل سنت، همچون اکثر مفسران، «رابطوا» را به معنای مقابله با هجوم دشمن، مرزداری زمینی و فکری، رفت و آمد به مساجد و انتظار نماز پس از نماز دانسته‌اند. در مقابل، علامه طباطبایی در المیزان، «رابطوا» را به معنای تجمع قوای اجتماعی، نه فقط در برابر سختی‌ها و شداید؛ بلکه در جمیع شئون و حالات مختلف زندگی اجتماعی مسلمین قلمداد کرده است.

این بدان معناست که بر اساس نظر علامه طباطبایی فعل «رابطوا» از یک حقیقت اجتماعی کاربردی و مهم در گستره خوانش اجتماع‌گرایانه آیات قرآن به نام «مربطه اسلامی» حکایت می‌کند و اجتماع بشری را در تحت لوای تألیف و تجمع قلوب به سوی هم‌گرایی و هم‌افزایی قوای فکری، مادی و معنوی برای

نیل به سعادت حقیقی بشر فرامی خواند. علامه پس از ارائه توضیحات مربوطه اسلامی، آن چنان که در تفسیر المیزان معهود است، در بحث روایی، احادیثی را که در ارتباط با معنای مربوطه از «ارتباط با امام معصوم» سخن به میان آورده، ذکر کرده است و برخی از مفسران اهل سنت نیز به ذکر روایت «انتظار نماز پس از نماز» و «رفت و آمد به مساجد» بعنوان یکی از مصادیق یا معانی «مربطه» در این ارتباط عنایت داشته اند و می توان ذکر این روایت را از نقاط اشتراک نظر مفسران مذکور درباره تفسیر «رابطوا» به حساب آورد. با عنایت به این روایات در استنباطی بدیع، امامت و ولایت را باید بعنوان محور و ستون اساسی و اصلی مربوطه و در کنار آن مسجد را بعنوان جایگاه و مکان تجلی، شکل گیری و تقویت آثار بی بدیل آن در نظر گرفت. (خلیلی زاده، ۱۴۰۱: ۲۳۹)

لازم به ذکر است که تا به حال در ارتباط با موضوع فوق از منظر علامه و مفسران معاصر اهل سنت تحقیقی صورت نگرفته است، ولی به صورت تطبیقی تک نگاری هایی مثل مقاله «مربطه در جامعه دینی از دیدگاه علامه طباطبائی و آیت الله جوادی آملی» از محمد فاکر میبیدی ارائه شده است که در آن نویسنده، مربوطه را از دیدگاه اندیشمندان مذکور، مورد بررسی قرار داده و نتیجه می گیرد که آیت الله جوادی آملی نیز با دیدگاه علامه در تفسیر مربوطه موافق است. نویسنده در این مقاله دیدگاه دو اندیشمند شیعی که در بیان معنا و تفسیر مربوطه توافق نظر دارند را بررسی می کند؛ اما نقطه قوت مقاله حاضر بررسی تطبیقی دیدگاه علامه با مفسران اهل سنت است که در تفسیر و بیان مصادیق مربوطه نظری متفاوت ارائه کرده اند. همچنین مقاله «عوامل هم افزایی و دستاوردهای آن در همکاری اجتماعی از منظر قرآن کریم با تأکید بر نگاه علامه طباطبائی رحمت الله علیه» از محمد علی محمدی است که در آن فقط نظر علامه طباطبائی و بدون نقد و تحلیل ارائه شده؛ ولی جنبه نوآوری در مقاله حاضر تطبیق دیدگاه های مفسران مذکور با عنایت به تحولات اجتماعی عصر کنونی و در نظر گرفتن نظر مرجح و همچنین بر اساس روایات، استنباط بدیع امامت و ولایت بعنوان محور و مسجد بعنوان جایگاه شکل گیری و تجلی مربوطه اسلامی است.

این نوشتار که به شیوه توصیفی - تحلیلی سامان یافته است، به بررسی واژه مذکور و موارد کاربرد ریشه و هم نشینی واژگان آن در آیات قرآن پرداخته و نتیجه بررسی تطبیقی دیدگاه مفسران مذکور این است که می توان با عنایت به ادله مطرح شده، نظر علامه طباطبائی را در ارتباط با مربوطه و آثار اجتماعی آن، از جهات متعدد نسبت به نظر مفسران اهل سنت بعنوان دیدگاه و نظر مرجح در نظر گرفت.

## ۱- معنای واژگان آیه

### ۱-۲. «رابطوا»

جوهری گوید: «رَبَّطْتُ الشَّيْءَ أَزْبَطُهُ؛ أى شد دته» و معنای ربط الشیء را محکم کردن آن دانسته است. (جوهری، ۱۴۰۷: ۱۱۲۷/۳) خلیل بن احمد «رباط» را از «ربط» و آن را به معنای ملازمت راه‌های نفوذ برای جلوگیری از ورود دشمن دانسته و مردان جنگجوی ملازم این مواضع را «مرباط» دانسته است. (فراهیدی، بی تا: ۴۲۲/۷) راغب ریشه «رابطوا» را از «ربط» و آن را به معنای بستن و محکم کردن می‌داند. به عقیده وی «ربط الفرس» بستن اسب در جایی و نگهداری از آن و «رباط الجیش» به معنای استراحتگاه سربازان و «رباط» مکان مخصوص اقامت نگهبانان است. (راغب اصفهانی، ۱۳۸۳: ۳۵/۲) همچنین وی برای واژه «مرباطه» دو معنا در نظر می‌گیرد: (۱) مراقبت و پاس دادن در سرحدات و مرزهای بلاد مسلمین؛ همچون نگهبانانی که در سرحدات مرزی ساکن شوند و از آن حفاظت نمایند. (۲) به معنای «فلان رابط الجاش» که این عبارت در جایی به کار می‌رود که قلب انسان قوی و نیرومند باشد. (همان، ۳۶) جوهری گوید: «وَأَصْلُ الرِّبَاطِ مِنْ مُرَابطةِ الخَيْلِ، أى: ارتباطها بإزاء العدو فی بعض الثغور» وی رباط را مأخوذ از استقرار اسب‌ها و به معنای بستن آن برای مقابله با دشمن و جهت جلوگیری از نفوذ آن می‌داند. (ازهری، بی تا: ۲۳۰/۱۳) همچنین ابن فارس «ربط» را دلالت‌کننده بر استحکام و ثبات می‌داند. (ابن فارس، ۱۳۹۹: ۴۷۷/۲) باید گفت که بر اساس قول اکثر لغویان، «ربط» که ریشه اصلی فعل «رابطوا» است به معنای محکم کردن و بستن است.

### نظرات مفسران معاصر اهل سنت درباره معنای «رابطوا»

دیدگاه مفسران معاصر اهل سنت را می‌توان در مورد معنای رابطوا در سه دسته تقسیم‌بندی کرد که شامل موارد ذیل است:

#### ۱. رابطوا به معنای مطلق آماده‌سازی لشکر در برابر هجوم دشمنان؛

در تفسیر الحدیث اصل کلمه «رابطوا» را از «رباط» به معنی آماده‌سازی لشکر برای جنگ دائمی در مقابل دشمن و بیداری همیشگی در مقابل حملات او می‌داند. نویسنده آیه مذکور را مرتبط با آیات قبلی سوره و رباط را راه پیروزی بر دشمنان اسلام تلقی می‌کند. به عقیده وی اگر مسلمین بر اساس مفاد آیه شریفه عمل نمایند؛ دشمن نمی‌تواند بر آن‌ها غلبه کند. (دروزه، ۱۴۲۱: ۲۹۹/۷) به نظر هواری در تفسیر کتاب الله العزیز «مرباطه» شامل جهاد در راه خدا یعنی جهاد با کفار است. (هواری، ۱۴۲۶: ۳۱۲/۱)

بر اساس دیدگاه این مفسران، رابطه به معنای مطلق آمادگی در برابر هجوم و حمله دشمن و دفاع در برابر کفار است. ایشان برای استنباط معنای رابطه به دلیل خاصی در تفاسیر خویش اشاره نکرده‌اند.

## ۲. رابطوا به معنای مرزداری کشور اسلامی؛

بیشتر مفسران اهل سنت به مرزداری کشور اسلامی از طریق مستقر نمودن نیروهای نظامی در مرزها (صابونی، ۱۴۲۱: ۲۳۰/۱؛ آل غازی، ۱۴۲۷: ۵۱۶؛ دره، ۱۴۳۰: ۳۵۸/۲؛ خرم دل، ۱۳۸۴: ۱۳۹/۱؛ طنطاوی، ۱۹۹۷: ۳۸۲/۲) و یا بستن اسبها و مهیا کردن ادوات جنگی (حجازی، ۱۴۱۳: ۳۲۹/۱؛ ایبیری، ۱۴۰۵: ۲۸۷/۹؛ مراغی، بی تا: ۱۷۱/۴؛ جزایری، ۱۴۱۶: ۴۳۱/۱) و درنهایت مرزداری فکری و اعتقادی (سید قطب، ۱۳۸۵: ۵۵۲/۱؛ شعراوی، ۱۹۹۱: ۱۹۷۵/۴) بعنوان معنای رابطه اشاره کرده‌اند.

آن چنان که بررسی شد، این گروه از مفسران اهل سنت نیز بدون اشاره به دلیلی خاص، امر رابطه را به معنای مرزداری تلقی کرده‌اند؛ ولی آن چنان که بیان خواهد شد، این معنا نیز همچون معانی دیگر رابطه از حد تعیین مصداق فراتر نخواهد بود.

## ۳. رابطوا به دو معنای مرزداری اسلامی و رفت و آمد به مساجد؛

زحیلی «رابطه» را به دو معنا گرفته است: اول آمادگی برای مقابله و برابری با دشمنان و در معنای دوم بر اساس روایات، بعنوان رفت و آمد به مساجد. وی رابطه در داخل کشور اسلامی را به معنای آمادگی جهاد در مرزهای نزدیک به دشمن دانسته است؛ بنابراین در نظر وی «رابطوا» به معنای مرزداری اسلامی و کثرت حضور در مساجد است. (زحیلی، ۱۴۱۸: ۲۱۷/۴) حوی نیز در توضیح معنای «رابطوا» به دو مورد اشاره می‌کند: یکی استقرار در مرزها و آمادگی برای جنگ با دشمنان خدا و دیگری، ماندن در مساجد و آمادگی برای جنگ با شیطان. (حوی، ۱۴۲۴: ۹۶۷/۲) وی در بحث فواید خویش با اشاره به چند روایات از پیامبر در مورد انتظار نماز پس از نماز و ماندن در مساجد، به تبیین معنای دوم رابطوا، یعنی آمادگی برای جنگ با شیطان پرداخته است. (حوی، ۱۴۲۴: ۹۷۰/۲)

شحاته امر «رابطوا» را امر به استقرار در مرزها و آمادگی مقابله با هجوم دشمن دانسته است و «رباط» را مأخوذ از بستن اسبها و محکم کردن محل استقرار آنها می‌داند. بر اساس دیدگاه وی، رابطه در هر زمان و مکانی لازم نیست؛ بلکه مقصود از آن رصد حرکات دشمن و آمادگی برای مقابله با ایشان در هجوم به بلاد اسلامی است و همچنین رابطه فقط محدود به مرزهای اسلامی نمی‌شود؛ بلکه گاهی باید در قلب کشور اسلامی منتظر و مترصد حرکات دشمن بود؛ زیرا اکنون دشمنان به انواع

سلاح‌های پیشرفته هوایی و غیره مجهز شده و باید به صورت هوایی، زمینی یا دریایی آمادگی مقابله با آنان را داشت. وی در ادامه به روایاتی که انتظار نماز پس از نماز و توقف در مساجد را بیان می‌کند اشاره کرده است. (شحاته، ۱۴۲۱: ۲/۷۴۷) ابن‌عاشور «رابطوا» را از باب مفاعله از ریشه «ربط» به معنای آمادگی و استعداد لشکر اسلام در سرحدات و مرزهای کشور اسلامی برای مقابله احتمالی با دشمنان دانسته است. به عقیده وی «رابطوا» دستوری است برای بیداری همیشگی لشکر مؤمنان در زمان صلح که تجاوزی از سوی دشمن، مرزها را تهدید نمی‌کند تا به صورت دائمی از کید و مکر مشرکان در امان باشند؛ همان طور که مسلمین در جنگ احد به خاطر همین احساس آسودگی از مکر مشرکان، ضربات جبران‌ناپذیری متحمل شده و نتیجه آن به سود سپاه دشمن رقم خورد. (ابن‌عاشور، ۱۳۹۳: ۴/۲۰۹) او سپس به حدیثی از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم درباره مزداری و ارزش آن در راه خدا از کتاب جهاد صحیح بخاری، باب «فضل رباط یوم فی سبیل‌الله» اشاره می‌کند که حضرت فرمود: (رباط یوم فی سبیل‌الله خیر من الدنیا و ما علیها) (بخاری، بی‌تا: ۳/۲۲۴) سپس به قول برخی مفسرین اشاره دارد که بر اساس روایتی در مورد این آیه، مرابطه بعنوان انتظار نماز پس از فراغت از نماز تعبیر شده است. روایت این‌گونه است که پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود: (الاخبرکم بما یمحوالله به الخطایا ویرفع به الدرجات؟ اسباغ الوضوء علی المکاره و کثره الخطا الی المساجد و انتظار الصلاة بعد الصلاة) آیا شمارا به چیزی که خداوند به خاطر آن گناهان را پاک کند و اجر را فراوان گرداند راهنمایی کنم؟ گفتند بله یا رسول‌الله. فرمود: وضو را سیر گرفتن با سختی، کثرت گام برداشتن به سوی مساجد و انتظار نماز پس از نماز. (ابن‌عاشور، ۱۳۹۳: ۴/۲۱۰)

اشاره به معنای دوم مرابطه یعنی «کثرت رفت و آمد به مساجد» و «انتظار نماز پس از نماز»، آن‌چنان‌که از روایت این گروه از مفسران اهل سنت به نظر می‌آید، باعث تقویت روابط اجتماعی و تألیف قلوب مسلمین در سایه اجتماع در مساجد برای اقامه نماز است و چون در میزان نیز به این روایت اشاره شده است؛ می‌توان از آن در تبیین جایگاه مرابطه در منظومه فکری علامه استفاده نمود.

### نظر علامه طباطبایی در مورد معنای «رابطوا»

علامه طباطبایی «مرباطه» را اعم از «مصابره» می‌داند. به عقیده وی چون «مصابره» عبارت از وصل کردن نیروهای جامعه برای مقابله با شداید و سختی‌هاست، مرابطه به معنای وسیع‌تر، شامل تجمیع قوای اجتماع در همه شئون زندگی اعم از سختی و آسانی می‌شود. (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۴/۱۴۴)

در صورتی‌که با تأکید بر مطلق بودن لفظ آیه، «اصبروا» را بر صبر فردی و «صابروا»

را بر اساس باب مفاعله به معنای صبر دسته جمعی و به همراهی امت اسلامی در شدايد و سختی‌ها در نظر بگیریم؛ آنگاه تلقی علامه درباره واژه «رابطوا» به معنای صبر همگانی و جمع کردن تمام نیروهای معنوی جامعه در تحت لوای «تألیف قلوب» و «وحدت امت اسلامی در جمیع شئون زندگی» را می‌توان بعنوان خوانش اجتماع‌گرایانه آیات قرآن، بهترین و مناسب‌ترین تفسیر قلمداد کرد.

### استعمال ماده «ربط» در دیگر آیات قرآن

غیر از آیه ۲۰۰ سوره آل عمران، در ۴ آیه دیگر قرآن مشتقات واژه «ربط» شامل «لیربط»، «ربطنا» و «رباط الخیل» آمده که بررسی نظر علامه و مفسران درباره آن می‌تواند به فهم بهتر تفسیر «رابطوا» کمک شایانی نماید.

این آیات عبارت‌اند از:

۱- ﴿وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ وَعَدُّوا لَكُمْ وَأَخْرَيْنَ مِنْ دُونِهِمْ لَاتَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تَظْلَمُونَ﴾ (انفال/۶۰) و هر چه در توان دارید از نیرو و اسبهای آماده بسیج کنید، تا با این [تدارکات] دشمن خدا و دشمن خودتان و [دشمنان] دیگری را جز ایشان که شما آن‌ها را نمی‌شناسید و خدا آنان را می‌شناسد بترسانید و هر چیزی در راه خدا خرج کنید پاداش آن به خود شما بازگردانیده می‌شود و بر شما ستم نخواهد رفت.

ابن عاشور معتقد است که «رباط» صیغه مفاعله و دال بر مبالغه و محکم بستن دوچندان اسبان برای مبارزه و جهاد است؛ یعنی اسبها را حفظ کرده و محکم ببندید. وی به حدیثی از پیامبر در بیان ارزش جهاد در راه خدا و بستن اسب‌ها در این راه اشاره می‌کند که حضرت فرمود: «من ارتبط فرساً فی سبیل الله کان روئها و بولها حسناً له». (ابن عاشور، ۱۳۹۳: ۵۶/۱۱)

برخی از مفسران معاصر اهل سنت نیز به همین معنای «رباط الخیل» یعنی بستن و محکم کردن اسب‌ها و مرکب‌ها اشاره کرده‌اند. (خرم‌دل، ۱۳۸۴: ۳۴۸/۱؛ شحاته، ۱۴۲۱: ۱۷۷۵/۵)

علامه گوید: «کلمه «رباط» مبالغه در «ربط» است و «ربط» همان عقد (گره) است، با این تفاوت که ربط سست‌تر از عقد و عقد محکم‌تر از ربط است و «ربطه، یربطه، ربطا» با «رابطه، یربطه، مرابطة و رباطا» به يك معناست، چیزی که هست رباط از ربط رساتر است». (طباطبائی، ۱۳۹۰: ۱۵۱/۹)

بر اساس نظر علامه ریشه رباط به معنای محکم بستن است.

۲- ﴿إِذْ يُعَشِّبُكُمُ النَّعَاسَ أَمَنَةً مِنْهُ وَيُنزِلُ عَلَيْكُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً لِيُطَهِّرَكُمْ بِهِ وَيُدْهَبَ عَنْكُمْ رِجْزَ الشَّيْطَانِ وَلِيَرْبِطَ عَلَى قُلُوبِكُمْ وَيُثَبِّتَ بِهِ الْأَقْدَامَ﴾ (انفال/۱۷) [به یاد آورید]

هنگامی را که [خدا] خواب سبک آرامش بخشی که از جانب او بود بر شما مسلط ساخت و از آسمان بارانی بر شما فروریخت تا شما را با آن پاک گرداند و وسوسه شیطان را از شما بزداید و دل هایتان را محکم سازد و گام هایتان را بدان استوار دارد.

عبارت «لیربط علی قلوبکم» به معنای استوار ساختن و قوت بخشیدن به قلوب است. (دره، ۱۴۳۰: ۱۸/۴؛ صابونی، ۱۴۲۱: ۴۶۰/۱؛ طنطاوی، ۱۹۹۷: ۵۱/۶) ابن عاشور در ذیل آیه می‌گوید: «در حقیقت ربط محکم کردن پیوند چیزی است و آن کنایه از ثبات و آرامش و از بین رفتن اضطراب و تشویش است و از این جهت است که مثلاً می‌گویند: «فلان جاش الربط: فلانی آرامش و خونسردی دارد» و حرف جر «علی» کنایه از تمکّن و قوت آرامش و ثبات دارد». (ابن عاشور، ۱۳۹۳: ۲۸۰/۱۰) علامه «لیربط علی قلوبکم» را کنایه از تشجیع قلوب مؤمنین و فرستادن باران بر جنگجویان مؤمن را باعث استواری و ثبات قدم و مستحکم ساختن قلوب ایشان می‌داند. (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۲۴/۹)

۳- «وَرَبَطْنَا عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ إِذْ قَامُوا فَقَالُوا رَبُّنَا رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَن نَّدْعُو مِنْ دُونِهَا إِلَهًا لَقَدْ قُلْنَا إِذْ شَطَطًا» (کهف/۱۴) و دل هایشان راستوار گردانیدیم [به قصد مخالفت با شرک] برخاستند و گفتند: پروردگار ما پروردگار آسمان‌ها و زمین است. جز او هرگز معبودی را نخواهیم خواند که در این صورت بی شک غیر صحیح گفته‌ایم. در این آیه عبارت «و ربطنا علی قلوبهم» به معنای قوت بخشیدن به قلوب ایشان یعنی اصحاب کهف است. (ابیاری، ۱۴۰۵: ۲۴۶/۱۰؛ حوی، ۱۴۲۴: ۳۱۶۷/۶، حجازی، ۱۴۱۳: ۴۰۹/۲) از سویی متعدی کردن «ربطنا» با حرف «علی» برای مبالغه در محکم کردن است و معنی آن استحکام و تمکّن است. عبارت «اذ قاموا» ظرف برای فعل «ربطنا» است؛ یعنی در وقت قیام برای حق خداوند قلوبشان را محکم و استوار نمود و بر این اساس در هنگام خطور فکر جهاد و قیام در راه خدا به ذهن ایشان، قلوبشان نیز محکم و با ثبات گردید. (ابن عاشور، ۱۳۹۳: ۲۷۲/۱۶) علامه در ذیل آیه در ارتباط با ماده «ربط»، آن را به معنای محکم بستن و کنایه از سلب

اضطراب و قلق از قلوب اصحاب کهف می‌داند. (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۳۴۸/۱۳)

۴- «وَأَصْبَحَ فُؤَادُ أَمْرٍ مُوسَىٰ فَارِعًا إِنَّ كَادَتْ لِتُجْدِي بِهِ لَوْلَا أَن رَّبَطْنَا عَلَىٰ قَلْبِهَا لِتَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ» (قصص/۱۰) و دل مادر موسی [از هر چیز، جز از فکر فرزند] تهی گشت. اگر قلبش راستوار نساخته بودیم تا از ایمان آورندگان باشد، چیزی نمانده بود که آن [راز] را افشا کند.

«ربطنا» در آیه فوق به معنای محکم کردن و تثبیت و قوت بخشیدن به قلب مادر موسی علیه السلام است. (زحیلی، ۱۴۱۸: ۶۶/۲۰؛ طنطاوی، ۱۹۹۷: ۳۸۳/۱۰؛ حوی، ۱۴۲۴:

علامه «ربطنا» را از «ربط» و آن را به معنای بستن چیزی و «ربط» را در آیه شریفه کنایه از اطمینان دادن به قلب مادر موسی می‌داند. (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۳/۱۶) در ارتباط با موارد کاربرد «ربط» در آیات قرآن که از نظر خواننده محترم گذشت باید گفت، اگر استدلال مفسران اهل سنت برای معنای مرابطه در آیه ۲۰۰ سوره آل عمران به آیه اول و تلقی بستن مرزها از «رباط الخیل» باشد، این مسأله‌ای است که نمی‌توان برای آن دلیل قابل قبولی ارائه نمود، چون در آیه ۲۰۰ هیچ قرینه‌ای برای این معنا ذکر نشده و چنان‌که مطرح شد، الفاظ آیه به شکل مطلق و بدون قید آمده‌است. آیات دوم تا چهارم نیز از واژه‌های «لیربط» و «ربطنا» تشکیل شده که از ریشه «ربط» و آن چنان‌که در آیات بررسی شد، همگی مرتبط با بُعد معنوی وجود انسان یعنی قلب و جان است. این مطلب از اضافه قلب به ترکیب مذکور استنباط می‌شود. این تلقی در مورد آیات دوم تا چهارم صحیح است و دلیل آن نیز ذکر شد، درحالی‌که «رابطوا» در آیه ۲۰۰ آل عمران هیچ اضافه‌ای ندارد که بتوان استنباط مفسران عامه را از معانی مطرح شده قابل قبول دانست.

### ۱-۳- «اصبروا» و «صابروا»

صاحب بن عباد «صبر» را ضد جزع دانسته‌است. (ابن عباد، بی تا: ۱۳۴/۸) زبیدی گوید: «وَأَصْلُ الصَّبْرِ: الْحَبْسُ: وَكُلُّ مَنْ حَبَسَ شَيْئًا فَقَدْ صَبَرَهُ» (زبیدی، بی تا: ۷۰/۷) وی اصل صبر را حبس و خویشتن‌داری دانسته‌است. راغب در مفردات، فعل امر «اصبروا» را از «صبر» به معنای خویشتن‌داری در سختی و تنگی گرفته‌است. آنگاه در توضیح مطلب، آن را به معنای شکیبایی و خودداری نفس بر آنچه عقل و شرع حکم کند و بطلبد و یا آنچه شرع خودداری نفس از آن را طلب می‌کند، تلقی کرده‌است (راغب اصفهانی، ۱۳۸۳: ۳۷۱/۲). وی سپس انواع صبر را این چنین برمی‌شمارد: (۱) صبر و شکیبایی در برابر مصیبت که ضد آن جزع و بی‌تابی است (۲) صبر در جنگ و محاربه که شجاعت نامیده می‌شود و ضد آن ترس و جبن است (۳) صبر در کار ملال‌آور که ضد آن کم‌ظرفیتی و دل‌تنگی است (۴) صبر و خودداری از کلام و سخن که ضدش فاش کردن سخن است. (همان) برخی «صبر» را به معنای حبس و امساک گرفته‌اند. (قرشی، قاموس قرآن، ۱۳۷۱: ۱۰۵/۴) به اعتقاد برخی دیگر «اصبروا» از «صبر» و آن نیز بعنوان جمع فضائل و خصال کمال بوده و «صابروا» به معنای استقامت در اجتماع و صبر در کنار دیگر صابران و البته سخت‌تر از صبر فردی است. (ابن عاشور، ۱۳۹۳: ۲۰۸/۴)

اکثر مفسران معاصر اهل سنت «اصبروا» را به معنای صبر بر مشکلات، سختی‌ها و طاعت الهی و «صابروا» را به معنای صبر در سختی‌های جهاد و جنگ و غلبه بر

دشمنان دانسته‌اند. (بعنوان نمونه نک: شعراوی، ۱۹۹۱؛ ۱۹۷۳/۴؛ طنطاوی، ۱۹۹۷؛ ۲/۴۸۲؛ زحیلی، ۱۴۱۸؛ ۴/۲۱۶؛ سید قطب، ۱۳۸۶؛ ۱/۵۵۲؛ مراغی، بی‌تا: ۱۷۱/۴) علامه طباطبایی «اصبروا» را به خاطر آنکه در آیه شریفه به صورت مطلق آمده شامل انواع مختلف آن، از جمله صبر بر شداید و سختی‌ها، صبر بر اطاعت خدا و صبر بر ترک معصیت می‌داند. همچنین «صابروا» را از صیغه «مفاعله» و به معنای صبر افراد مختلف اجتماع در کنار و به همراه یکدیگر قلمداد می‌کند؛ بنابراین بر اساس نظر وی، «مصابره» به حالتی که جمعیتی از افراد اجتماع به اتفاق یکدیگر در مقابل آزارها، اذیت‌ها و مشکلات احتمالی، صبر و تحمل نمایند اطلاق می‌شود. در این صورت برکات صبر تک‌تک افراد اجتماع به یکدیگر وصل شده و همه نیروها یکی می‌گردند. (طباطبایی، ۱۳۹۰؛ ۴/۱۴۳)

تفسیر و تبیین علامه و مفسران اهل سنت در ارتباط با واژه «اصبروا» و تلقی ایشان از صبر فردی امت اسلامی یکسان است و می‌توان تفسیر ایشان را از این دو واژه بعنوان نقطه اشتراک در دیدگاه مفسران مذکور دانست.

## ۲ نقد و بررسی

۱.۳. از آنجاکه باب مفاعله دلالت بر تحقق فعل به صورت مشارکت دارد و در صورتی که بدون قرینه ذکر شود، تحقق مشارکت قطعی است، در مصابره و مرابطه امر به مشارکت طرفین است. مشارکت نیز یا در امر مثبت مانند مساعده و یا در امر منفی مانند مقاتله تحقق می‌پذیرد؛ بر این اساس امر الهی به مصابره و مرابطه به یقین نمی‌تواند به مشارکت در فعل منفی تعلق بگیرد و باید آن را به مشارکت در امر مثبت تلقی کرد. امر مصابره به صبر همگانی در جامعه اسلامی و همراهی مسلمین در صبر و استقامت است، ولی آن چنان که مفسران اهل سنت در معنای مرابطه بیان داشته‌اند، یک طرف از ماده مشارکت فعل مرابطه، دشمنی است که در برابر او باید مرزها را محکم بست. در این صورت یک طرف مرابطه دشمن و طرف دیگر مؤمنان هستند؛ به چه دلیل به فعلی که دو طرف مشارکت در ماده فعل را دارد و یک طرف دشمن و طرف دیگر امت اسلامی است می‌توان امر نمود؟ و آیا خداوند در کنار امر به مؤمنان برای پاسداری حدود و مرزها، به کفار نیز امر به مرزداری نموده‌است؟

در این مورد برخی همچون زمخشری مفسر نامدار اهل سنت، بعنوان توجیه مصابره و مرابطه، باب مغالبه را مطرح کرده‌اند؛ بدین معنا که همان‌گونه که دشمنان در مقابل شما صابر و رابط هستند، شما نیز صابرتر و رابط‌تر از ایشان باشید و بر ایشان غلبه کنید. (زمخشری، ۱۴۰۷؛ ۱/۴۶۰)

علت تلقی علامه در معنای مربوطه و امر خداوند در آیه را می‌توان در کلام صاحب تسنیم جستجو کرد که می‌گوید:

«علامه طباطبائی مطلب دقیقی را از دو کلمه (صابرو و رابطوا) استنباط کرده‌اند که (صابرو و رابطوا) مستقیم متوجه مؤمنان است؛ به این معنا که صبرهایتان را با هم تبادل کنید؛ نه اینکه هر يك به تنهایی صبر کنید، همان‌گونه که آیه شریفه (واعتصموا بحبلِ اللهِ جمیعا) (آل عمران/۱۰۳) فرمان می‌دهد که همه با هم مسلمان باشید؛ نه فقط همه مسلمان باشید، پس اگر مسلمانان هماهنگی جمعی نداشته باشند، هیچ‌یک به آیه مزبور عمل نکرده‌اند، زیرا فرمان (واعتصموا) به معنای «مسلمان شوید» نیست، بلکه به معنای «با هم مسلمان باشید» است و با هم مسلمان بودن، غیر از مسلمانی هر فرد به تنهایی است.

با هم مسلمان بودن یعنی در مسائل نظری تبادل فکری داشتن، در امور اجرایی و عملی همکاری کردن و در مسائل دفاعی و جنگ مصابره و مربوطه داشتن. نتیجه آن‌که صابرو و رابطوا خطاب به مؤمنان است؛ بدین‌سان که با هم صبر و رباط داشته باشید، زیرا صبر هر انسانی محدود است. بعضی زود می‌رنجند و خسته می‌شوند، اگر مصابره جایگزین صبر فردی شود و مربوطه جای حراست و نگهبانی افرادی از مرزهای دینی را بگیرد، نقص ناشی از رنج و خستگی بعضی با توانمندی و پایداری افراد دیگر ترمیم خواهد شد. با این بیان هم مقتضای هیئت باب مفاعله محفوظ می‌ماند و هم هر دو طرف آن حق است». (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۱۶/۷۷۴)

بر این اساس از آنجاکه تحقق صیغه مفاعله در مشارکت طرفین است، تلقی علامه در فعل «صابرو و رابطوا» مبنی بر دستور الهی به دو طرف حق؛ یعنی مؤمنان را در ارتباط با این دو فعل، باید بهترین استنباط و برداشت دانست.

۲.۳. اکثر مفسران اهل سنت واژه «رابطوا» را به معنای بستن سرحدات و مرزها گرفته‌اند، ولی قرینه‌ای برای استنباط خویش در آیه ۲۰ آل عمران و غیر آن ارائه نکرده‌اند. این در حالی است که بر اساس بیان علامه طباطبائی چون لفظ آیه برای همه افعال «اصبروا»، «صابرو» و «رابطوا» به صورت مطلق آمده‌است، باید آن را به صورت مطلق و نه مقید به معنایی خاص دانست.

۳-۳. تکیه بر معنای مشخص و مقید کردن معنای مطلق در واژه‌های آیه را می‌توان علاوه بر سخن مفسران مذکور در سخن برخی دیگر از مفسران نیز شاهد بود. (برای نمونه رک: طبرسی، ۱۴۱۵: ۳۹۹/۴؛ ابوحنیان، ۱۴۲۰: ۴۸۵/۲؛ زمخشری، ۱۴۰۷: ۱/۴۶۰)

۴.۳. از آنجاکه صبر صفتی مرتبط با قلب انسان و حاصل ریاضت‌های باطنی آدمی است و در آیه شریفه، سه فعل «اصبروا»، «صابرو» و «رابطوا» با حرف واو عطف و بدون هیچ قیدی پشت سر هم آمده، می‌توان «رابطوا» را نیز مثل دو فعل دیگر

مرتبط با بُعد معنوی وجود انسان معنا کرد. بر این اساس مرابطه می تواند مؤید بر اجتماع قلوب انسان ها در امت اسلامی باشد.

۵.۳. مفسران معاصر اهل سنت فعل «اصبروا» را به صبر فردی (گذشته از تعیین مصداق برای آن بدون داشتن قرینه) و همچنین «صابروا» را از باب مفاعله به معنای صبر در برابر دشمن دانسته اند؛ اما هرچند معنای مذکور به صورت مطلق بر مبنای لغت ایرادی ندارد و بیان معنا بعنوان مصداق لغت، در کلام استعمالی شایع دارد؛ اما به استناد سیاق و اطلاق افعال در آیه، محدود کردن آن به یک معنای خاص صحیح نیست.

۶.۳. با عنایت به آنچه تاکنون ذکر گردید، بر اساس دیدگاه علامه طباطبایی می توان گفت: خداوند در این آیه به سه مرحله از ارتباط فردی و اجتماعی اشاره دارد: ۱. بر فردی برای تک تک افراد جامعه ۲. صبر اجتماعی به همراهی و همدلی افراد در مقابل شداید و سختی ها ۳. بر اجتماعی در تمام شئون زندگی اجتماعی و ارتباط قلبی افراد برای رسیدن به سعادت حقیقی زندگی اجتماعی بشر. (Naqvi، ۴۷: ۲۰۲۳) در بیان ارتباط چهار صیغه امر معهود در آیه به بیان آیت الله جوادی آملی باید گفت: «سوره آل عمران در بردارنده اصول و بسیاری از فروع دین است و فرمان خداوند سبحان به صبر، مصابره، مرابطه و تقوا در این آیه، توصیه ای راجع به تحمل فراگیری همه معارف و مسائل این سوره است تا فلاح نهایی که ثمره اندیشه های صائب و انگیزه های صالح است حاصل شود». (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۱۶/۷۶۸)

بر این اساس به بیان علامه طباطبایی در المیزان، معنای «واتقوا الله» و امر به تقوا پس از بیان وجوه مختلف صبر روشن می گردد، زیرا نتیجه موارد سه گانه مطروحه در آیه رسیدن اجتماع بشری به سعادت حقیقی است و در صورت عدم تکیه افراد جامعه به یکدیگر و عدم توجه به شئون زندگی اجتماعی، سعادت حقیقی بشر حاصل نخواهد شد؛ (قراملکی، ۲۰۲۳: ۳۳) یعنی التزام به تقوا در آیه به معنای رعایت صبر فردی در درجه اول، سفارش دیگران به صبر و تجمیع قوای اجتماعی در شداید و سختی ها در درجه دوم و در نهایت تجمیع قوای انسانی و بشری در جمیع شئون زندگی برای دستیابی به سعادت حقیقی خواهد بود. در آخر آیه واژه «تفلحون» و رستگاری نیز متضمن سعادت حقیقی بشر در پرتو ارتباط قلبی ایشان برای غلبه بر جمیع موانع در زندگی اجتماعی است. (ابراهیمی، ۲۰۲۳: ۵۶)

### ۳. نقش امامت و مسجد در مرابطه اسلامی

در کنار تفسیر مذکور که برای «رابطوا» از علامه طباطبایی مطرح شد، احادیثی نیز در بحث روایی المیزان به چشم می خورد که می تواند به تحلیل دقیق تر مرابطه اسلامی کمک کند. ابتدا این روایات و روایات مذکور در کتب حدیثی دیگر

در این ارتباط را به طور مختصر مطرح کرده و سپس تحلیل و استنباط نقش آن را در رابطه اسلامی بررسی می‌نماییم.

علامه در ذیل آیه ۲۰۰ سوره آل عمران، در معنای «اصبروا»، «صابروا» و «رابطوا» از امام صادق علیه السلام روایت کرده که: (بر انجام واجبات، اهل صبر باشید، بر مصائب صبور بوده و بر امامان خود صبر کنید.) (طباطبائی، ۱۳۹۰: ۲۱۱/۴)

برخی دیگر از مفسران، «رابطوا» را بر اساس روایات و از باب تعیین مصداق، به معنای رابطه با کسی که به او اقتدا می‌شود؛ یعنی امام (بحرانی، ۱۴۱۵: ۷۳۰/۱؛ حرعاملی، ۱۴۱۶: ۲۰۷/۱۶) و برخی دیگر آن را ارتباط با امام منتظر (زبیدی، ۱۴۲۸: ۴۴۶/۱؛ فضل‌الله، ۱۴۳۹: ۵۵۵/۳) و عده دیگر به معنای ارتباط و کمک به امام غائب (فیض کاشانی، ۱۴۱۶: ۴۱۱/۱؛ قمی مشهدی، ۱۴۲۳: ۳۵۳/۳) تلقی کرده و در نهایت گروه دیگر آن را بعنوان معنای دوم، یعنی انتظار نماز بعد از نماز می‌دانند. (فخر رازی، ۱۴۲۰: ۴۷۴/۹؛ زحیلی، ۱۴۱۸: ۲۱۷/۴؛ سیوطی، بی تا: ۴۱۶/۲؛ ابن عطیه، ۱۴۱۳: ۵۶۰/۱)

باید گفت که علاوه بر تفسیر رابطه از دیدگاه علامه طباطبائی، احادیث بحث روایی در میزان و کتب دیگر، رابطه را ارتباط با ولایت و امامت و همچنین انتظار نماز پس از نماز و رفت و آمد به مسجد دانسته است. حال باید دید که آیا ملازمه‌ای بین رابطه اسلامی و نقش امامت و مسجد وجود دارد یا نه؟ به نظر می‌رسد روایات امامت و ولایت و همچنین انتظار نماز و آمدن به مساجد از حد تعیین مصداق برای رابطه بالاتر است و می‌توان آن را در طول رابطه دانست. طرح این مسأله بدان معناست که با عنایت به تعریفی که از قول علامه طباطبائی در مورد رابطه بعنوان وحدت قلوب و یکی شدن عزم و نیروهای افراد جامعه برای غلبه بر مشکلات اجتماعی در سختی و غیر آن در جهت نیل امت اسلامی به سعادت حقیقی دانسته شد، چه استنباطی از این روایات و احادیث می‌توان داشت و به طور کلی چگونه می‌توان این روایات را در تعیین نقش محور و همچنین جایگاه رابطه در جامعه اسلامی معنا کرد؟

### ۱.۳. نقش امامت در رابطه اسلامی

بی‌شک رساندن جامعه به مراتب والای رابطه و تألیف قلوب، خود باید از جایگاهی الهی که به دور از تشنّت و تکثر است نشأت بگیرد که باید بهترین جایگاه برای ایجاد آن را نبوت و در امتداد آن امامت دانست.

آیات فراوان قرآن در زمینه اطاعت از پیامبر و اهل بیت علیهم السلام همچون ﴿وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ﴾ (تغابن/۱۲) و ﴿قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ﴾ (آل عمران/۳۱) و ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ﴾ (نساء/۵۹) که شئون مختلف ولایت عمومی در

اجتماع اسلامی را در مورد پیامبر و اهل بیت علیهم السلام تبیین و تشریح می‌کند، می‌توان بعنوان زوایای مختلف شکل‌گیری و تقویت رابطه اسلامی قلمداد کرد. غیر از آیات قرآن در عرصه سنت نیز احادیث فراوان، نقشی بی‌بدیل برای پیامبر و اهل بیت علیهم السلام در عرصه رابطه اسلامی ترسیم می‌کند، آن چنان که بدون تمسک به این محور اساسی و بنیادین، نه تنها وحدت ظاهری افراد، بلکه افکار و قلوب ایشان نیز در جامعه اسلامی دچار پراکندگی و جدایی می‌گردد. گرچه زوایای مختلف کارکرد امامت و ولایت در مسیر رابطه فراوان است؛ ولی می‌توان به دو محور اساسی آن اشاره نمود:

### ۱.۱.۳. نقش امامت در نظم بخشی به امت

در روایت امیرالمؤمنین علیه السلام است که (الْإِمَامَةُ نِظَامُ الْأُمَّةِ) (آمدی، ۱۴۱۰: ۵۸/۱) نظم بخشی به امت در محورهای مختلفی تجلی می‌یابد که یکی از مهم‌ترین آن‌ها رابطه اسلامی است. از جمله مسائل مهمی که در امت اسلامی نقش بی‌بدیل امامت را می‌طلبد، ایجاد هسته‌های رابطه اسلامی و تلاش برای تداوم و حرکت صحیح آن است.

بی‌شک توجه معنوی امامت به سوی وحدت محض در عالم و عدم تکثرگرایی، خود یکی از عوامل اثرگذار در نیل جامعه اسلامی به سوی رابطه و وحدت قلوب انسان‌هاست که خاستگاه این معنا را باید از جانب وجود امام جستجو نمود؛ بدین معنی که امام با قلب نورانی و وجود معنوی خویش، قلوب را به سوی خویش مجذوب کرده و سبب وحدت اجتماعی امت اسلامی می‌گردد.

۲.۱.۴. امامت، ضمانت اجرای حدود و احکام و مصونیت مرزهای کشور اسلامی امام رضا علیه السلام در مورد نقش امامت در مصونیت مرزهای اسلامی می‌فرماید: (بِالْإِمَامِ إِمْضَاءُ الْحُدُودِ وَالْأَحْكَامِ وَمَنْعُ الشُّغُورِ وَالْأَطْرَافِ) (کلینی، ۱۳۶۳: ۱۲۰/۲؛ نعمانی، ۱۳۹۷: ۲۱۶/۱) حضرت، امامت را ضامن اجرای احکام الهی در جامعه و مصونیت مرزهای امت اسلامی دانسته است. بدیهی است که با تجمیع قلوب و دوری از تشتت افکار و آراء است که ضمانت اجرای احکام الهی در جامعه تحقق می‌پذیرد و اگر رابطه و اقبال مسلمانان در امت اسلامی به سوی امام نباشد، احکام الهی نیز آن چنان که باید و شاید در جامعه تجلی نمی‌یابد.

استدلال فوق مبنی بر عدم تحقق کامل اجرای احکام یا انتظام حقیقی امت بدون رابطه اسلامی و تجمیع قلوب و اقبال افراد به سوی امام با روایاتی چون (مَثَلُ الْإِمَامِ مَثَلُ الْكَعْبَةِ إِذْ يُؤْتَى وَلَا يَأْتِي) (مجلسی، ۱۴۱۳: ۳۵۷/۳۶) مقارنت دارد؛ زیرا در این روایت امام را به مثابه کعبه که به گرد آن جمع می‌شوند و باعث وحدت ظاهری و باطنی مسلمانان می‌گردد دانسته است.

بنابراین بر اساس دلایل فوق و ادله دیگر که به خاطر اجتناب از طولانی شدن مطلب ذکر نشد، امامت در جامعه اسلامی بعنوان نقش محوری در تحقق رابطه اسلامی شناخته می‌شود.

### ۲.۳. جایگاه شکل‌گیری رابطه اسلامی

آن‌چنان‌که بیان شد علامه و مفسران اهل سنت در ذیل آیه ۲۰۰ سوره آل عمران به روایتی در مورد «انتظار نماز پس از نماز» اشاره کرده‌اند که می‌توان از آن برای روشن‌تر شدن کارکرد رابطه در جامعه اسلامی استفاده نمود.

توضیح آنکه انتظار نماز پس از نماز، بی‌شک به معنای ماندن دائمی و صرف نمودن تمام اوقات زندگی در مسجد، آن‌هم بدون پرداختن به امور خانوادگی، اجتماعی و مسائل شخصی نیست؛ آن‌چنان‌که زندگی اولیاء دین نیز چنین روش غیر عقلایی را گزارش نمی‌دهد؛ بلکه به نظر می‌رسد انتظار نماز پس از نماز، حالتی معنوی و درونی است که بر اساس آن، انسان مؤمن به صورت مدام در انتظار یاد و ذکر پروردگار خویش بوده و همین امر، خود عاملی در جهت تقویت ایمان و اعتقاد و همچنین طهارت و پاکی درونی و دوری وی از خطا و معصیت گردد.

ذکر این مطلب ضروری می‌نماید که با روشن شدن زوایای مختلف رابطه و نقش محوری امامت در تحقق و تداوم آن، جایگاه شکل‌گیری رابطه نیز اهمیت خویش را بازمی‌یابد. رابطه با ماهیت الهی و محور معنوی آن که امام باشد، باید جایگاهی پاک و مقدس همچون مسجد که محل رفت و آمد و حضور مسلمین برای نماز و اعمال عبادی و اجتماعی است داشته باشد تا حقیقت آن روشن گردد. بر اساس روایت آمدوشد به مساجد، به یقین، مطلوب فقط انجام اعمال عبادی صرف در مسجد نیست و آنچه به مسجد، با جایگاه و منزلت مقدس آن، رنگ و بوی اجتماعی بخشیده و آن را محلی برای کنترل تنش‌های اجتماعی، جلسات وحدت بخش اسلامی، رسیدگی به نیازهای فقرای جامعه، آشنایی با فرهنگ اسلامی می‌سازد، رابطه است که در بستر این جایگاه الهی و بر اساس محور امامت تحقق می‌پذیرد.

بعنوان نمونه، کارکرد اجتماعی مسجد را می‌توان در این روایت مشاهده کرد که امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: (مَنْ اِخْتَلَفَ اِلَى الْمَسْجِدِ اَصَابَ اِحْدَى الثَّمَانِ اَخَاً مُسْتَفَاداً فِی اللّٰهِ اَوْ عَلِماً مُسْتَظَرِّفاً اَوْ اٰیَةً مُّحْكَمَةً اَوْ سَمِعَ کَلِمَةً تُدَلُّهُ عَلٰی هُدٰی اَوْ رَحْمَةً مُّتَّظِرَةً اَوْ کَلِمَةً تَرُدُّهُ عَن رَدٰی اَوْ یَتَرُکُ ذَنْبًا خَشِیَةً اَوْ حِیَاةً) هر کس به مسجد رفت و آمد کند به یکی از هشت چیز برسد: برادری از جانب خداوند یا دانشی جدید یا آیه‌ای محکم و یا رحمتی که انتظار آن را داشته و یا سخنی که او را از بدی منع می‌کند و یا سخنی را بشنود که او را به سوی هدایت دلالت کند و یا از جهت ترس، یا شرم و حیاء گناهی را ترک گوید. (مجلسی، ۱۴۰۶: ۴/۵؛ ابن بابویه، ۱۴۰۴: ۲۳۷/۱)

بنابراین در چنین حالتی معنای روایاتی که مرابطه را «انتظار نماز پس از نماز» و یا «رفت و آمد به مساجد» می‌داند روشن می‌گردد؛ مثل روایتی که سیوطی در تفسیر خویش آورده که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «هَلْ لَكُمْ إِلَى مَا يَمْحُو اللَّهُ تَعَالَى بِهِ الذُّنُوبَ وَيَعْظُمُ الْأَجْرَ فَقُلْنَا: نَعَمْ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ: إِسْبَاغُ الْوُضُوءِ عَلَى الْمَكَارِهِ وَ كَثْرَةُ الْخَطَا إِلَى الْمَسَاجِدِ وَانتظار الصلاة بعد الصلاة قَالَ: وَهُوَ قَوْلُ اللَّهِ «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا» فذلکم هو الرِّبَاطُ فِي الْمَسَاجِدِ آیا شما را به چیزی که خداوند به خاطر آن گناهان را پاک کند و اجر را فراوان گرداند راهنمایی کنم؟ گفتند بله یا رسول الله. فرمود: وضو را سیر گرفتن با سختی، کثرت گام برداشتن به سوی مساجد و انتظار نماز پس از نماز. بعد فرمود: و این همان قول خداوند است که «یا ایها الذین امنوا اصبروا و صابروا و رابطوا» و این ارتباط با مساجد است. (سیوطی، بی تا: ۴/۴۷۱)

### نتیجه

۱. بعنوان نقاط اشتراک دیدگاه علامه و مفسران معاصر اهل سنت، می‌توان از ذکر روایات انتظار نماز پس از نماز و کثرت آمد و شد به مساجد نام برد. همچنین از نقاط تمایز دیدگاه‌ها، تفسیر مرابطه از قبیل مطلق آمادگی نظامی و مرزداری زمینی و فکری توسط مفسران معاصر اهل سنت در مقابل دیدگاه علامه، مبنی بر گستره معنایی مرابطه در تمام شئون زندگی اجتماعی بشر را باید برشمرد.

۲. آنچه مفسران معاصر اهل سنت در ارتباط با معنای «رابطوا» بعنوان «بستن مرزها و سرحدات کشور اسلامی در مقابل هجوم دشمنان» و یا معانی دیگر که مطرح شد بیان داشته‌اند را بیش از آنکه بتوان بعنوان مراد جدی قلمداد کرد، باید بعنوان مصداقی از این واژه مورد بررسی قرارداد؛ زیرا الفاظ آیه مطلق بوده و مقید به قید خاصی نیست.

۳. با بررسی و تحلیل مفردات، ترکیبات و سیاق آیه ۲۰ سوره آل عمران واژه «رابطوا» را طبق نظر علامه طباطبایی در تفسیر المیزان باید بعنوان هم‌گرایی و هم‌افزایی قوای جامعه اسلامی در تمام شئون زندگی، اعم از سختی‌ها و آسانی‌ها و تألیف و تجمیع قلوب برای رویارویی با مشکلات و مسائل اجتماعی معنا کرد.

۴. مرابطه با معنایی که بیان شد؛ یعنی تجمیع قوای اجتماع و تألیف قلوب، به یقین دارای محوری استوار و خلل‌ناپذیر به نام امامت و ولایت است که هسته‌های اصلی آن را در جامعه اسلامی به شایستگی ایجاد کرده و تداوم آن را تضمین می‌نماید و همچنین جایگاهی پاک به نام مسجد خواهد داشت که در این مکان با قداستی که اسلام برای آن تعریف کرده‌است، می‌توان در تحت لوای خوانش اجتماعی قرآن به مسائل فرافردی جامعه توجه جدی داشت.



۲۷. زبیدی، مرتضی (بی تا): «تاج العروس من جواهر القاموس»، دمشق: دارالفکر
۲۸. زحیلی، وهبة بن مصطفى (۱۴۱۸): «التفسیر المنیر فی العقیدة و الشریعة و المنهج»، دمشق: دارالفکر المعاصر
۲۹. زمخشری، محمود بن عمر (۱۴۰۷): «الكشاف عن حقایق غوامض التنزیل و عیون الاقوابیل فی وجوه التأویل»، بیروت: دار الکتب العربی
۳۰. سید قطب، ابراهیم حسین الشاربی (۱۳۸۵): «فی ظلال القرآن»، بیروت: دار الشروق
۳۱. سیوطی، عبدالرحمن ابن ابی بکر (بی تا): «الدر المنثور فی تفسیر المأثور»، بیروت: دار الفکر
۳۲. شحاته، عبدا.. محمود (۱۴۲۱): «تفسیر القرآن الکریم»، قاهره: دار غریب، چاپ اول
۳۳. شعاعی، علی اصغر، اکبر فراهی بخشایش، علی (۱۴۰۰): «نقد گرایش اجتماعی تفسیر معاصرانه قرآن کریم»، قرآن پژوهی خاورشناسان، ۱۶ (۳۰)، ۸۲-۱۰۷. doi: 10.22034/qkh/10.22034.2021.09.20
۳۴. شعراوی، محمد متولی (۱۹۹۱): «تفسیر الشعراوی»، بیروت: اخبار الیوم، اداره الکتب و الکتبات، چاپ اول
۳۵. صابونی، محمد علی (۱۴۲۱): «صفوه التفاسیر»، بیروت: دار الفکر، چاپ اول
۳۶. طباطبایی، محمد حسین (۱۳۹۰): «المیزان فی تفسیر القرآن»، مترجم سید محمدباقر موسوی همدانی قم: دفتر انتشارات اسلامی
۳۷. طنطاوی، محمد سید (۱۹۹۷): «التفسیر الوسیط للقرآن الکریم»، قاهره: نهضة مصر، چاپ اول
۳۸. فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰): «التفسیر الکبیر»، بیروت: دار احیاء التراث العربی
۳۹. فراهیدی، خلیل بن احمد (بی تا): «کتاب العین»، بیروت: دار ومکتبة الهلال
۴۰. فضل الله، محمد حسین (۱۴۳۹): «تفسیر من وحی القرآن»، بیروت: دارالاملاک للطباعة و النشر و التوزیع
۴۱. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی (۱۴۱۶): «الوافی»، قم: مکتبه الصدر
۴۲. کریمیور قراملکی، علی (۲۰۲۳): «تحلیل مبادئ الحياة الأفضل (الحياة الطيبة) من منظور القرآن الکریم»، الدراسات القرآنیة المعاصرة، ۲ (۴)، ۳۳-۵۵. doi: 10.22034/dqm/10.22034.2023.16.08.32
۴۳. قرشی، سید علی اکبر (۱۳۷۱): «قاموس قرآن»، تهران: دارالکتب الاسلامیه
۴۴. قرشی، سید علی اکبر (۱۳۹۱): «احسن الحدیث»، قم: نوید اسلام
۴۵. قمی مشهدی، محمد رضا (۱۴۲۳): «کنزالدقائق و بحر الغرائب»، قم: دارالغدیر
۴۶. کاشانی، ملافتح الله (۱۳۳۶): «منهج الصادقین فی الزام المخالفین»، تهران: کتابفروشی محمد حسن علمی
۴۷. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۳): «الکافی»، ترجمه محمدباقر کمره ای، تهران: انتشارات اسوه
۴۸. مالک بن انس (۱۴۲۵): «الموطأ»، بی جا، مجمع الثقافی
۴۹. مجلسی، محمدباقر بن محمد تقی (۱۴۱۳): «بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار ائمة الاطهار»، بیروت: دار احیاء التراث العربی
۵۰. مراغی، احمد مصطفی (بی تا): «تفسیر المراغی»، بیروت: دارالفکر، چاپ اول
۵۱. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴): «تفسیر نمونه»، تهران: دار الکتب الاسلامیه
۵۲. نعمانی، محمد بن ابراهیم (۱۳۹۷): «الغیبة»، تهران: مکتبه الصدوق
۵۳. هواری، هود بن محکم (۱۴۲۶): «تفسیر کتاب الله العزیز»، بی جا: دار البصائر، چاپ اول
54. Naqvi, S., Maybudi, M. F., Tahayori, A. R., & Elahi, A (2023): "A Comparative Analysis of the Virtues of Social Ethics in the Qur'an from the Viewpoints of Allamah Ṭabāṭabā'ī and Ibn 'Āshūr", *The Quran: Contemporary Studies (Quranic New Studies)*, 2(3), 47-65. doi: 10.22034/qns.2023.8107

## References

### Holy Qur'an

1. Abu 'Ibād, al-Šāḥib Ismā'īl (n.d): " Al-Muḥīt fī al-Lughat", N.P: 'Ālim al-Kitāb.
2. Abu al-Fatūḥ Rāzī, Ḥussein ibn 'Ali (1376 SH): " Rawḍ al-Jinān wa Rūḥ al-Jinān fī Tafṣīr al-Qur'ān", Annotator: Muḥammad Ja'far Yahaqī & Muḥammad Maḥdī Nāsiḥ, Mashhad: Islamic Research Foundation of Aṣṭan Quds Razavi, first edition.
3. Abyari, Ibrahim (1405 AH): " Al-Mawsūat al-Qur'aniyyah", Cairo: Arab Record Foundation, first edition.
4. Al-Jazā'iri, Abu-Bakr Jābir (1416 AH): " Aysar al-Tafāsīr Li-Kitāb Al-'Aliyy Al-Kabīr", Medina: Maktab al-'Ulum wa al-Ḥikam.
5. Āl-Ghāzi, Abd al-Qādir (1427 AH): " Bayān al-Ma'āni", Annotator: Saeed 'Alāu Muḥammad, Damascus: Dār al-Rawiyah
6. Ālūsī, Maḥmūd ibn 'Abd Allāh (1415 AH): " Rūḥ al-Ma'ānī fī Tafṣīr Tafṣīr al-Qur'ān al-Azīm wa Saba' al-Mathānī", Beirut: Dār al-Kutub al-'Ilmiyyah.
7. Āmodi, 'Abd al-Wāḥid ibn Muḥammad (1410 AH): " Ghurar al-Hikam and Durar al-Kalam", Qom: Dār al-Kitāb al-Islami.
8. Azhari, Muḥammad ibn Aḥmad (n.d): " Tahdhīb al-Lughat", Beirut: Dār Iḥyā Al-Turāth Al-'Arabī.
9. Bahrāni, Seyyed Ḥāshim (1415 AH): " Al-Burhān Tafṣīr fī al-Qur'ān", Qom: Markaz Publishing House.
10. Bukhari, Muḥammad (n.d): " Ṣāḥih Bukhari", N.P
11. Darrah, Muḥammad 'Alī Ṭaha (1430 AH): " Tafṣīr fī al-Qur'ān Al-Karīm wa l'rābuhu wa bayānuhu", Beirut: Dar Ibn Kathir, first edition.
12. Darwaza, Muḥammad Izzah (1421 AH): " Al-Tafṣīr Al-Hadīth: Tartīb al-Suwar ḥasb al-Nuzūl", Beirut: Dar Al-Gharb Al-Islami.
13. Faḍlullah, Seyyed Muḥammad Hossein (1439 A.H.): " Tafṣīr min Waḥy al-Qur'ān. Beirut: Dār Al-Milak Publisher
14. Fakhr Rāzī, Muḥammad ibn 'Umar (1420 AH): " Al-Tafṣīr al-Kabīr", Beirut: Dār Iḥyā Al-Turāth Al-'Arabī.
15. Farāhidī, Khalīl ibn Aḥmad (n.d): " Kitāb al-Ain", Beirut: Dār al-Hilāl.
16. Fayḍ Kāshānī, Muḥammad ibn Shā Murtaḍa. (1416 AH): " Al-Wafī", Qom: Maktaba al-Al-Šadr.
17. Hawāri, Hūd ibn Muhkam (1426 AH): " Tafṣīr Kitāb al-Allah al-'Azīz", NP: Dār Al-Baṣā'ir, first edition.
18. Hawwi, Saeed (1424 AH): " Al-Asās fī al-Tafṣīr", Cairo: Dār al-Salām, sixth edition.
19. Ḥijāzi, Muḥammad Maḥmūd (1413 AH): " Al-Tafṣīr Al-Wāḍiḥ", Beirut: Dār Al-Jeel, tenth edition.
20. Hurr 'Āmili, Muḥammad Ḥasan (1416 AH): " Tafṣīl wasā'il al-Shi'at ila taḥṣīl masā'il al-Sharīat", Annotator: MuḥammadReza Hosseini Jalāli", Qom: Āl al-Bayt Li Iḥya Al-Turāth Foundation.
21. Ibn 'Atiyah Abu Muḥammad 'Abd al-Haqq (1413 AH): " Al-Muḥraz al-wajīz fī Tafṣīr al-Kitāb al-Azīz", Annotator: Abd al-Salām Abd al-Shafī Muḥammad, Beirut: Dār al-Kutub al-'Ilmiyyah.
22. Ibn 'Āshūr", Muḥammad Ṭāhir (1393 SH): " Al-Taḥrīr wa al-Tanwīr", N.P: Dār al-Sakhun.
23. Ibn Babaweyh, Muḥammad ibn 'Ali (1404 AH): " Kitāb man lā Yaḥduru al-Faqīh", Qom: Al-Nashr al-Islami Foundation.
24. Ibn Fāris, Aḥmad ibn Zakariya (1399 SH): " Mu'jam Maqāyīs al-Luqqah. Beirut: Dār al-Fikr.
25. Ibrahim, Ehsan, Ashrafi, Hossein (2023): "Ḥuqūq al-Muwāṭinah min manzūral-

- Qur'an al-Karīm wa Nahj al-Balaghah" [Citizenship rights from the perspective of the Holy Qur'an and Nahj al-Balagha], Journal of Al-Dirāsāt al-Qur'aniyyah al-Ma'āshirah, 2(4), 56-78. doi: 10.22034/dqm.2023.16954.1031.
26. Jawādī Āmulī, 'Abd Allāh (1388 SH): " Tafsīr Tashīm", Qom: Isrā Publication.
27. Jawhari, Abu Naṣr (1407 AH): " al-Şihāh Tāj al-Lughat wa Şihāh al-'Arabiyyah", Beirut: Dār al-Ilm Li al-Malayin, fourth edition.
28. Karimpour Karamaliki, Ali (2023): "Taḥlīl mabādi al-Ḥayāt al-afḍāl (al-Ḥayāt al-Ṭayyibah) min manẓar al-Qur'an Karīm [An Analysis of the principles of a better life (the good life) from the perspective of the Holy Qur'an], Journal of Al-Dirāsāt al-Qur'aniyyah al-Ma'āshirah, 2(4), 33-55. doi: 10.22034/dqm.2023.16083.1032.
29. Kāshāni, MolaFathullah (1336 SH): " Manhaj-al-Şādiqin fī al-zam al-Mukhalifin", Tehran: Muḥammad Hasan Ilmi Bookstore.
30. Khalilzadeh, Morteza, Shuai, Ali Asghar, Farahi Bakshaish, Ali Akbar (1401 SH). "Rāhkār-ha-e 'Ilmi bāzgasht bi Qur'an bā ta'kid bar rāhkār-ha-e Tafsīri az didgā Maqām Mu'azzam Rahbari" [Scientific solutions to the concept of returning to the Qur'an with an emphasis on interpretative solutions from the perspective of the Supreme Leader], Journal of Qur'an wa 'Ulūm, 16(30), 239-260. doi: 10.22034/qve.2022.7232
31. Khurram Del, Muṣṭafa (1384 SH): " Tafsīr Nūr", Tehran: Ihsan Publications, fourth edition.
32. Kulayni, Muḥammad ibn Ya'qub (1363 SH): " Al-Kāfi", Translator: Muḥammad Baqir Kameraei Tehran: Usweh Publications.
33. Majlisi, Muḥammad Baqir ibn Muḥammad Taqqi (1413 AH): " Biḥār al-Anwār al-Jāmi'at l-durar Akhbār Aimmat al-Aṭḥār", Beirut: Dār Iḥyā Al-Turāth Al-'Arabī.
34. Makārim Shīrāzi, Nāṣir (1374 SH): " Tafsīr Nemunch", Tehran: Dār al-Kutub al-Islamiyyah.
35. Mālik ibn Anas (1425 AH): " Al-Muwatta", N.P: Majma al-Thaqafi.
36. Maraghi, Aḥmad Muṣṭafa (n.d): " Tafsīr Al-Maraghi", Beirut: Dār Al-Fikr, first edition.
37. Naqvi, S., Maybudi, M. F., Tahayori, A. R., & Elahi, A. (2023): "A Comparative Analysis of the Virtues of Social Ethics in the Qur'an from the Viewpoints of Allamah Ṭabāṭabā'i and Ibn 'Āshūr", The Quran: Contemporary Studies (Quranic New Studies), 2 (3), 47-65. doi: 10.22034/qns.2023.8107.
38. Nu'māni, Muḥammad ibn Ibrahim (1397 AH): " Al-Ghaybah", Tehran: Maktabah Al-Sadūq.
39. Qommi Mashhadi, Muḥammad ibn Muḥammadreza (1423 AH): " Kanz al-Daqā'iq wa Baḥr al-Gharā'ib", Qom: Dār Al-Ghadir.
40. Qurashi, Seyyed 'Ali Akbar (1371 SH): " Qāmūs Qur'an", Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah.
41. Qurashi, Seyyed 'Ali Akbar (1391 SH): " Aḥsan al-Hadith", Qom: Navid Islam Publications.
42. Rāghib Iṣfahāni, Ḥusayn ibn Muḥammad (1412 AH): " Mufradat fī Gharīb al-Qur'an", Tehran: Maktabah al-Murtaḍawiyah.
43. Şābūni, Muḥammad 'Ali (1421 AH): " Şafwat al-Tafsīr", Beirut: Dār al-Fikr, first edition.
44. Seyyed Qoṭb, Ibrahim Husain (1385 SH): " Fī Zilāl al-Qur'an", Beirut: Dār Al-Shoruq
45. Sha'arāwi, Muḥammad Mutawalli (1991): " Tafsīr Al- Sha'arāwi", Beirut: Akhbar Al-Yawm, Department of Books and Publication, first edition.
46. Shaḥāte, 'Abd Allah Maḥmūd (1421 AH): " Tafsīr al-Qur'an Al-Karīm", Cairo: Dār Gharīb, first edition.

47. Shuai, Ali Asghar, Akbar Farahi Bakshaish, Ali (1400 SH): "Naqd girāsh Ijtimā'ī Tafsīr Ma'āshirāneh Qur'an Karīm" [Criticism of the social orientation of Tafsīr Ma'āshirah Qur'an Karīm], Journal of Qur'anic Studies of Orientalists, 16 (30), pp. 82-107. doi: 10.22034/qkh.2021.5948.
48. Suyūti, Abd Al-Raḥman ibn Abi Bakr (n.d): " Al-Durr al-Manthūr Fī al-Tafsīr al-Mathūr", Beirut: Dār al-Fikr.
49. Ṭabāṭabāī, Muḥammad Ḥusayn (1390 SH): " Al-Mīzān Fī al-Tafsīr al- Qur'ān", Translator: Seyyed Muḥammad Baqir, Mousawi Hamadani, Qom: Intishārāt Islami, Jāmi'ah Mudarrisīn.
50. Ṭanṭāwī, Seyyed Muḥammad (1997): " Al- Tafsīr al-Wasiṭ li al-Qur'ān al-Karīm", Cairo: Dār Nahdat Misr Publishing House, first edition.
51. Zamakhsharī, Maḥmūd ibn 'Umar (1407 AH): " Al-Kashshaf 'an Ḥaqā'iq ghawamid al-Tanzil wa 'uyun al-Aqāwīl fī wujuh al-Ta'wīl", Beirut: Dār Ihya' Al-Turāth Al-'Arabī.
52. Zubaydi, Mājīdnāshir (1428 AH): " Al-Taysīr fī, Tafsīr li al-Qur'ān bi-riwayat Ahl al-Bayt (a.s)", Beirut: Dār al-Mahjāt al-Baydā'.
53. Zubaydi, Murtaḍa (n.d): " Al-Taj al-'Arūs min Jawāhir al- Qāmūs", Damascus: Dār al-Fikr.
54. Zuḥaylī, Wahbat Ibn Muṣṭafa (1418 AH): " Al-Tafsīr Al-Munīr fī al-'Aqīdat wa al-Sharī'at wa al-Minhaj", Damascus: Dār al-Fikr al-Ma'āshir.